

مقایسه تطبیقی نظریه‌های شاخص در تعریف چیستی هنر اسلامی*

محمدجواد مهدوی نژاد

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

Mahdavinejad@modares.ac.ir

الهه ایمانی

کارشناس ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس

elahe.imani1@gmail.com

چکیده

بعد از ظهور اسلام، این دین از نظر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر جامعه‌ها تأثیر گذاشت. هنر نیز تحت تأثیر این دین در این جامعه‌ها دچار تغییر و تحولاتی شد و با نام جدید هنر اسلامی شناخته شد. هنر اسلامی همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید، بعد از ظهور اسلام (در سده هفتم میلادی) در دوره‌های تاریخی مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف ظهور و نشوونمو کرد. محققان زیادی در مطالعات خود به معرفی این هنر در دوره‌های تاریخی مختلف و ارائه تعریفی از آن پرداخته‌اند و با ارائه مثال‌های تقریباً یکسان، تئوری و تعریف‌های متنوعی در این زمینه ارائه داده‌اند. مروری بر تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده تاکنون، درباره هنر اسلامی و تعریف چیستی آن از مقدمات تحقق

* Comparative Study of Theories in Explanation Islamic Arts

یک برنامه عملی، برای دستیابی به یک هنر فاخر و متعالی در روزگار معاصر است، زیرا که هنر بر جامعه‌ها و انسان‌ها بسیار تأثیرگذار است.

با بررسی دستاوردهای محققان در این زمینه، هشت دیدگاه و گرایش بازشناسی شده است: هنر سرزمین‌های اسلامی، هنر مسلمانان، هنر برگرفته از نصوص دینی، هنر هندسی و انتزاعی، هنر مقدس، هنر با محتوای دینی، هنر اسلامی شامل همه موارد فوق. این مقاله ضمن تحلیل نظریه‌های ارائه‌شده در زمینه هنر اسلامی، با روش استدلال منطقی و با استفاده از تکنیک‌های توصیفی - تحلیلی به تبیین موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های هر یک از آن‌ها در حوزه چپستی هنر اسلامی پرداخته است. دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که هر چند تعریف‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده تا حد قابل قبولی توانسته‌اند چپستی هنر اسلامی را به نمایش بگذارند، لیکن تفاوت میان تعریف‌های ارائه شده و مفهوم هنر اسلامی جدی است و اغلب آن‌ها از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیستند، هر چند تا حد قابل قبولی آن‌ها را توضیح می‌دهند.

کلیدواژگان: هنر، هنر اسلامی، محتوای دینی، هنر مقدس

مقدمه

یکی از شاخه‌های مهم علوم انسانی، هنر می‌باشد چرا که هنر در زندگی انسان‌ها بسیار تأثیرگذار بوده و می‌باشد. در حقیقت این هنر است که جامعه‌های انسانی را گاه به شکل آشکار و بیشتر مواقع به شکل پنهانی کنترل می‌کند و به آن شکل می‌دهد. هنر بر زندگی‌ها از تمدن‌های اولیه تا به امروز تأثیر بسیار زیادی داشته است، به طوری که در بسیاری از مواقع هنر در خدمت مذهب به کار گرفته شده تا مفاهیم مذهبی را بهتر انتقال دهند. گاهی با تغییر مذهب در تمدن‌های انسانی، هنر آنان نیز تغییر یافته است، همانند هنر اسلامی. تاریخ این مسئله را اثبات کرده است که هنر و مذهب بسیار به هم وابسته‌اند و در کنار یکدیگر باعث زنده ماندن و تداوم یکدیگر شده‌اند؛ به عبارتی هنر و مذهب در طول یکدیگر قرار دارند، نه در عرض هم.

هنر اسلامی همان‌گونه که از نام آن بر می‌آید، بعد از ظهور اسلام (در سده هفتم میلادی) در دوره‌های تاریخی مختلف و در مناطق جغرافیایی مختلف ظهور و نشو و نمو کرد. این هنر از نظر بُعد زمانی و مکانی و از نظر تنوع آثار چنان گسترده است که در هیچ تعریف خاصی نمی‌گنجد و تنها می‌توان ویژگی‌های خاصی را برای آن شمرد. هنر اسلامی در واقع محصول تمدنی است که طی چندین قرن در قلمرو وسیع اسلام - از هند تا اسپانیا - شکوفا بود و سنت‌های هنری پایداری نیز به بار آورد. (پاکباز ۱، ۱۳۸۵: ۷۲۵)

مروری بر پیشینه پژوهش هنر اسلامی نشان می‌دهد پژوهشگران زیادی تاکنون تلاش کرده‌اند مفهوم هنر اسلامی را تبیین نموده و یا در زمینه تعریف‌های ارائه شده در زمینه هنر اسلامی پژوهش نمایند، چرا که با شناخت هنر اسلامی بهتر می‌توان تأثیرهای آن را بر تمدن‌های انسانی شناخت. به‌عنوان نمونه می‌توان به مهدوی‌نژاد (۱۳۸۱) و نقی‌زاده (۱۳۸۲) اشاره کرد که در این مقاله از مطالعات ایشان استفاده شده است.

ایران از جمله کشورهای است که اسلام در آن به‌زودی گسترش یافت و با سابقه فرهنگی و هنری که از خود داشت، به‌زودی هنرمندان آن آثاری خلق و ابداع کردند که با روحیه اسلامی سازگاری داشت، بنابراین، امروزه می‌توان به‌خوبی ادعا کرد که هنر اسلامی بخشی از هویت ماست و در ساخت تمدن ایران بسیار تأثیرگذار بوده است، بنابراین، توجه به این بخش که یکی از تأثیرگذارترین عوامل در جامعه می‌باشد و یافتن چستی هنر اسلامی ضروری می‌نماید.

هنر اسلامی واژه‌ای است که ابتدا مستشرقین این واژه را به کار برده‌اند و در این زمینه به کار تحقیق و تفحص دست زده‌اند. هنر اسلامی برای محققان غربی از سده نوزدهم میلادی و برای دانشمندان مسلمان تعلیم‌یافته در غرب طی چند دهه اخیر، موضوع تحقیق بوده است، (نصر، ۱۳۷۵: ۷) یعنی این نام به‌وسیله سازندگان آن بازشناسی نشده است، بلکه واژه «هنر اسلامی» اولین بار در محیط‌های دانشگاهی انگلستان جامه تعریف پوشید و سپس به‌وسیله محققان فرانسوی - که اولین کاوشگران آکادمیک آثار اسلامی می‌باشند - و بعد در اثر دیگر کاوشگران غربی، در نهایت به تعریف هنر و معماری اسلامی نیز تعمیم

یافت. (آژند، ۱۳۷۸: ۱۰) بنابراین، بازشناسی هنر اسلامی و یافتن جواب چیهستی هنر اسلامی ضروری می‌نماید. شناخت ابعاد و ویژگی‌های شناختی هنر اسلامی، گامی اساسی در جهت حرکت به سوی بهره‌گیری از این چشمه جاری در روزگار معاصر خواهد بود.

فرآیند تحقیق

۱. **هدف تحقیق:** این مقاله کوشش دارد ضمن تجزیه و تحلیل و مقایسه نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی، نسبت به تبیین چیهستی آن اقدام نماید، چرا که با بررسی چیهستی هنر اسلامی و تعریف‌های ارائه شده، بهتر می‌توان تأثیر اسلام بر هنر را که باعث به وجود آمدن هنرهای اسلامی شده، شناخت و سرانجام از راز تأثیر هنر اسلامی بر جامعه‌های اسلامی آگاه شد. براساس این‌چنین شناختی می‌توان نسبت به این تعریف‌ها موضع‌گیری نمود. بر مبنای چنین تحلیلی می‌توان مشخص کرد که نسبت به هر یک از این تعریف‌ها، چه موضعی را می‌توان در جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد.

۲. **سؤالات:** ۱. هنر اسلامی چیست و چه تعریف‌هایی را می‌توان برای آن ارائه نمود؟ ۲. تعریف‌های ارائه‌شده در زمینه هنر اسلامی تا چه اندازه توانسته‌اند در تبیین مفهوم آن موفق باشند؟ و هر یک از آن‌ها با چه نقاط ضعف و قدرتی روبه‌رو هستند؟ ۳. **روش تحقیق:** روش استدلال منطقی با استفاده از تکنیک‌های توصیفی - تحلیلی که با رویکرد ساخت نظریه از طریق نقد نظریه‌های موجود به انجام می‌رسد. در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

تعریف هنر اسلامی

هنر اسلامی توسط محققان مختلف به شکل‌های گوناگون تعریف شده است، که هر یک ویژگی‌های مختلف و جنبه‌های گوناگونی را برای این هنر معرفی کرده‌اند که هر یک بیانگر خصیصه‌ای از خصوصیات آن به‌شمار می‌آید. اغلب تعریف‌ها نگاهی تقلیل‌گرایانه

دارند، از این رو موجب حذف برخی ویژگی‌ها شده، به برخی دیگر محوریت می‌بخشد. این روند موجب جدایی تأویل از متن اصلی می‌گردد. (Aston, 1991, 18) مطالعات انجام‌شده در این مقاله، متوجه هشت رویکرد اصلی هنرپژوهان به هنر اسلامی شده که در تعاریف ارائه شده توسط آنان، تعاریف جامع و مانع نیستند و هر یک برای هنر اسلامی ویژگی و خصیصه‌هایی را بیشتر مورد توجه داده‌اند که باعث شده، هنوز انسجام امید بخشی در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن به دست نیامده باشد. لازم است ذکر شود این مقاله هیچ‌یک از نظریه‌ها را رد نمی‌کند، بلکه در عین حال که تمامی تعریف‌ها را می‌پذیرد، با تحلیل این دیدگاه‌ها معتقد است تعریف‌های ارائه شده برای هنر اسلامی هیچ‌کدام بیان‌کننده حقیقت این هنر و تأثیری که در جامعه‌ها داشته، نمی‌باشد. هشت رویکرد اساسی عبارتند از:

۱. هنر سرزمین‌های اسلامی

این دیدگاه، هنر اسلامی را هنر سرزمین‌های اسلامی می‌داند. باربارا برنند در تعریف هنر اسلامی می‌گوید: هنری که در خدمت برای حکمرانان زمان یا جامعه فرهنگ‌دوست و اسلامی باشد، البته آثار هنری مورد بحث همواره هدف مذهبی ویژه‌ای نداشته و گاهی از این مقوله به دور بوده و حامیان و هنرمندان همیشه مسلمانان خوبی نبوده‌اند و گاه اصلاً مسلمان نبوده‌اند. به هر حال فرهنگی که در آن شکل می‌گیرد، تابع اندیشه مسلمانان است و این عمل به همراه عوامل جغرافیایی و تاریخی، تعیین‌کننده آنچه تهیه و پرداخته می‌شده بوده است. (برنند، ۱۳۸۳: ۱۰) برنند به صراحت اعلام می‌کند که آثاری که در سرزمین‌های اسلامی خلق می‌شوند، در تعریف هنر اسلامی جای می‌گیرند و تأکید می‌کند که این نوع هنر را باید اسلامی و نه هنر مسلمانان خطاب کرد و تفاوت‌های جزئی موجود بین آثار را مربوط به عوامل جغرافیایی و تاریخی می‌داند. همچنین کریستین پرایس همانند برنند، معتقد است که در این روش ممکن است حتی هنرمند نیز مسلمان نباشد، هنر این صنعتگران که بسیاری از آن‌ها هرگز به اسلام نگرویدند، با هم پیوند خورد و زیر فرمان

اسلام مبدل به شیوه‌هایی شد که امروزه به نام هنر اسلامی شناخته می‌شود. (پرایس، ۱۳۶۴: ۹) این گروه معتقدند که اسلام به بهترین شکل در آثار هنری تأثیر گذاشت که اسلام در آن سرزمین‌ها حاکم شده است.

در این نگرش، اسلام اساساً دارای هنر و یا رویکردی هنری نیست، بلکه آنچه در سرزمین‌های اسلامی تا پایان قرن بیستم به‌وقوع پیوسته، هنر اسلامی شمرده می‌شود (Vernoit, 1999: xi) حتی اگر سفارش‌دهندگان این آثار خود مسلمان نباشند و یا کالای تولیدی در خدمت آرمان اسلامی نباشد (Koch, 1991: 10) الگ‌گرا بر هنر اسلامی را مربوط به اسلام نمی‌شناسد و می‌گوید که هیچ رابطه‌ای میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد. (Graber, 1993: 1) همچنین وی به همراه ریچارد اتینگهاوزن هنر اسلامی را مربوط به خلافت می‌دانند: وقتی به هنر تعبیر «اسلامی» اطلاق می‌شود، به اقوامی اشاره می‌کند که زیر نظر حکام مسلمان می‌زیسته‌اند و یا در فرهنگ‌ها و جوامعی زندگی می‌کرده‌اند که به شدت متأثر از ویژگی‌های خاص حیات و اندیشه اسلامی بوده‌اند. (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۶: ۱) برخی همانند گاستون دایه هنر اسلامی را هنری می‌داند التقاطی و غیر اصولی که از ترکیب تکنیک‌ها و تم‌های کشورهای تسخیرشده که تابع قانون اسلام بودند به‌وجود آمده است و می‌گوید: «لذا هنر اسلام باید مجموعه هنرهایی را شامل شود که در کشورهای تولید شده‌اند که تابع قانون اسلام بوده‌اند و امرای مسلمان بر آن‌ها حکم می‌راندند.» (وایه، ۱۳۶۳: ۱۸)

۲. هنر مسلمانان

در این نگرش هنرمند و به وجود آورنده اثر مورد اهمیت واقع می‌شود. این نگرش هنر اسلامی را هنر، هنرمندان مسلمان معرفی می‌کند. (The Dictionary of Art, 16v:94) در این نگاه هنر اسلامی وجودی ماهوی ندارد، بلکه نامی است که به‌وسیله آن، آثار هنرمندان مسلمان بازشناسی می‌گردد. این روش توجیه مناسبی برای تنوع آثار هنر اسلامی ارائه می‌کند که آن گونه‌گونی مسلمانان در مناطق مختلف است. (Hoag, 1999: 7) پیشرفت

تکنیک‌های هنری با پیشرفت مسلمانان هماهنگ بوده و این برهانی دیگر بر استواری این اندیشه تلقی شده است. (Atasoy, 1990: 7) پذیرش این امر که هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، باعث حضور باز گسترده‌ای از آثار هنری در این زمره شده است. از بزرگان این گروه می‌توان به دیمر و توماس آرنولد اشاره کرد. آرنولد معتقد است هنر اسلامی والاترین جایگاه را در میان دستاوردهای فعالیت‌های هنر بشر به دست آورده است و بالاترین جایگاه در میان هنرهای موجود بین مسلمانان، هنر خوشنویسی است که این هنر بین آن‌ها رشد و ترویج پیدا کرد و این هنر را هنرمندان خارجی نمی‌توانند انجام دهند، بلکه حتماً باید توسط مسلمانان انجام شود. (Arnold, 1968: 1) در این دیدگاه اعتقاد بر این است که هنر اسلامی به بهترین شکل به دست مسلمانان به شکوفایی می‌رسد.

۳. هنر برگرفته از نصوص دینی

در این دیدگاه، هنر اسلامی هنری است که مستقیماً از دستورات قرآن کریم و یا روایات اسلامی به دست آمده باشد و برخلاف دیدگاه قبلی، بیشتر وجودی ماهوی و ریشه در عالم روحانی و معنویت دارد و با همپیوستگی سیر تکاملی این هنر را، خارج از اختلافات مکانی و زمانی، اشتراک مذهب دانسته‌اند. اشتراک در معتقدات دینی در اینجا تأثیری قوی‌تر از آنچه در دنیای مسیحیت وجود دارد، بر فعالیت‌های فرهنگی ملل مختلف داشته است. (کونل، ۱۳۶۸: ۶) چیزی که بیش از همه در این فعل و انفعال جهت ایجاد وحدت و پاسخ به جمیع مسائل زندگی قاطعیت داشت قرآن بود؛ مبنای اصلی این تفکر به کامل بودن قرآن است و می‌گویند: انسان تمام نیازهای خود را می‌تواند در قرآن بیابد؛^(۱) چنان‌که کارل جی دوری می‌گوید: هنر اسلامی در زمینه‌های گوناگون دارای پایگاهی والا و چشم‌گیر بوده و منشأ فعالیت مسلمانان در جهان است و مایه ربط هنرمند با هنرش اصولاً توحید می‌باشد و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گرانقدر الهام می‌گیرد و آن قرآن است. (دوری، ۱۳۶۸: ۳) در ادامه قرآن را به‌عنوان تنها منبع قابل اعتماد برای هنرمند مسلمان و محور اصلی در بازخوانی هنر اسلامی معرفی می‌کند. بورکهارت (۱۳۷۲: ۷۷) می‌گوید:

هنر بصری اسلام فقط انعکاس بصری کلام قرآنی است و جز این نیست. حسین نصر محقق بزرگ دیگر در این زمینه معتقد است برای یافتن سرمنشأ اصول وحدت‌بخش هنر اسلامی که این‌چنین در گستره وسیع زمان و مکان گسترده شده است، باید به باطن دین اسلام رجوع کرد. (نصر، ۱۳۷۵: ۱۲)

در برخی از دایرةالمعارف‌ها با چنین تعریف‌هایی مواجه می‌شویم: مبانی و دستورات دینی هرگز از طرف یک مسلمان مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، از این‌رو امکان چالش میان هنرمند و آموزه‌های دینی وجود ندارد و آنچه در نهایت تعیین‌کننده شاخصه‌های پذیرفته‌شده و عمومی‌اند، سنت و قرآن است. (Encyclopedia of World Art, 1963, V, III:332) از این‌رو است که در برخی از دایرةالمعارف‌ها متن قرآن، یگانه مرجع هنر اسلامی معرفی شده است. در این حالت قرآن تنها یک کتاب دینی مشتمل بر نشانگان مذهبی نیست، بلکه منبعی است برای تمام زندگی که هر عنصر اسلامی باید موبه‌مو برگرفته از دستورات آن باشد. (Dictionary Encyclopedique, 1998, VIII, 3122) در این تعریف، هنر اسلامی همان هنر قرآنی است و ... (Grand Larousse Encyclopedique 1962: V. 243) که هنرمندان براساس تعالیم آن دست به هنرآفرینی می‌زنند.

۴. هنر عربی

در این دیدگاه هنر اسلامی از پشتوانه اندیشه‌های عربی قبل از اسلام ملهم می‌باشد؛ یا هنری که به واسطه زبان عربی، به‌عنوان واسطه تماس با قرآن مجید باشد، هنر اسلامی خوانده می‌شود؛ همچنین هنری که به واسطه اعراب گسترش یافت و در مکان‌های مختلف تأثیر گذاشت. گاستون وایه می‌نویسد: از آغاز قرن هفتم میلادی خطر جدیدی در اروپا به وجود آمد؛ خطر عرب‌ها؛ آن‌ها با تسخیر متصرفات شرقی امپراتوری بیزانس در سال‌های ۶۳۳ تا ۶۹۸ ضربه مرگ‌باری به آن وارد کردند، عرب‌ها به اروپا از طریق اسپانیا حمله بردند اما سرانجام در سال ۷۳۲ توسط شارل مارتل متوقف شدند. تنها قسمتی از اروپا که از سنت‌های عرب در آن نفوذ کرد، اسپانیا بود و می‌توان به هنر مودجار (هنری که

توسط عرب‌های مسیحی شده اسپانیا بعد از فتح مجدد اسپانیا تکامل یافت) که بعد از فتح مجدد اسپانیا باقی ماند، اشاره کرد. (وایه، ۱۳۶۳: ۹-۸) علاوه بر آن کتیبه‌های سردر مساجد و اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی که اکثر آن‌ها به خط ثلث و یا نسخ عربی می‌باشد، تأکیدی بر این دیدگاه است.

تالبوت رایس، هنر اسلامی را برساخته از نگره‌های عربی، ابرانگاره‌های اسلامی در سال‌های ابتدایی پیدایش اسلام می‌خواند، از این رو برای آن پیشینه‌ای عربی قائل می‌شود. (Talbot Rice, 1986: 7) حضور زبان عربی به عنوان ابزار رسانه‌ای وحی، باعث گردیده است عده‌ای از متفکران اسلامی از آن با عنوان زبان مقدس و یا عنصر اصلی هنر اسلامی یاد کنند. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۵۱) در این نگرش، پژوهشگران برای این هنر پیشینه‌ای عربی معرفی می‌کنند و بسیاری از اصول و مبانی هنر اسلامی را به نگره‌های عربی و اغلب به قبل از اسلام و سنن شبه جزیره عربستان ارجاع می‌دهند.

۵. هنر هندسی و انتزاعی

اغلب پژوهشگرانی که هنر اسلامی را در نقش مایه‌های آن جستجو کرده‌اند، در این نگرش جای می‌گیرند. این دیدگاه هنری را اسلامی می‌داند که از یک سری تکنیک‌های خاص و یا عناصر تزئینی شده مشخص مانند شمسه، چلیپا و غیره استفاده نماید. (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۸) در این نگاه، هنر اسلامی، گاهی تا مرز یک سری نگاره و نقش مایه تقلیل می‌یابد. (Pinder, 1985: 2) در واقع به دلیل استنباطی که از آیات قرآن برای ممنوعیت کشیدن تصاویر قائل بودند، باعث شد که هنرمندان از کپی کردن طبیعت روی بگردانند و به طرح هندسی متمایل شوند. اسلام از توحید یعنی پذیرش وحدت الهی و احدیت سرچشمه می‌گیرد، احدیت درحالی که به غایت عینی و انضمامی است، به نظر اسلام تصویری انتزاعی می‌نماید و این امر به علاوه بعضی از عوامل مربوط به ذهنیت سامی، مبین خصلت انتزاعی هنر اسلامی است. (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۱۳۱) و هیچ تمثیل و رمزی در جهان مشهودات برای بیان پیچیدگی درونی وحدت و انتقال از وحدت تقسیم

و تکثیر ناپذیر به وحدت در کثرت و کثرت در وحدت بهتر از سلسله‌طرح‌های هندسی در یک دایره یا کثیرالسطوح‌ها در یک گره نیست. (بورکهارت، ۱۳۷۲: ۵۷) بنابراین، در این دیدگاه هنرمند مسلمان، هنر انتزاعی را بیانگر قانونی می‌داند که به مستقیم‌ترین وجه، وحدت در کثرت را نمودار می‌سازد. در این زمینه گاهی تکنیک و روش‌های کارآیند، یک معنا را مهم‌تر از خود معنا معرفی می‌کند.

۶. هنر مقدس

در این نگاه، هنر اسلامی هنری است که برگرفته از استعارات و مفاهیم مقدس اسلام است. موضوع حائز اهمیت در این نگرش نحوه برخورد و عملکرد ویژه آن با رمزگرایی و یا نمادگرایی یا چگونگی انتقال مفاهیم است. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۷) شالوده این نگره، بر مقدس دانستن برخی اعداد یا فرم‌هاست: دریافت تقدس کعبه^(۳) از شکل مکعبی آن (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۷) تقدس حجر الاسود به سبب فرود از آسمان و یا تبرک جامه‌ی مخملین کعبه به سبب آداب مقدس جامه‌پوشانی، (همان: ۱۸) تزئین گیاهی پیام‌آور بهشت (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۸) و یا قرارگیری گنبد بر روی ساختار مکعبی‌شکل، نماد هیبت و عظمت آسمان‌ها بر بالای زمین (همان: ۹) از مثال‌های روشن این رویه هستند.

رویکردهای این نحله از یک سو منجر به شکل‌گیری اعداد مقدس به‌عنوان پایه طراحی و از سوی دیگر منجر به روایتگری نشانه‌گرا در فرآیند طراحی شده است. مقدس شناختن قبة الصخره^(۳) به سبب اعداد مقدس (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۲۶) و یا اسلامی دانستن تزئینات محراب و اجازه بهره‌گیری از نگارگری در دیوار محراب به سبب خصوصیات نشانه‌ای آن، (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۵۴) و تقدس چراغ محراب به سبب تجلی باری تعالی (همان) مثال‌های روشنی از این نوع نگرش به هنر اسلامی‌اند. پس به‌نظر می‌رسد که بسیاری از خصیصه‌های هنر اسلامی به ماورای جهان ظواهر - به سوی جهان آخرت - اشاره دارند، اما این نمادها غالباً دلالت ضمنی داشته و کلیت آن بیشتر از معنای نمادین آن‌هاست. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۸)

حسین نصر در این زمینه می‌گوید: هنر اسلامی همواره در پی آن بوده است تا فضایی بیافریند که در آن بر سرشت موقت و گذرای اشیای مادی تأکید شود و تهی بودن اشیا مورد توجه قرار گیرد. پروردگار و تجلیات او با هیچ مکان و زمان یا شیء خاصی یکسان پنداشته نمی‌شود، لذا حضور او فراگیر است، همان‌طور که در قرآن می‌فرماید: پس به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید، (بقره: ۱۵) بنابراین، تهی بودن در هنر، مترادف تجلی امر مقدس می‌شود. (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۱-۱۸۰)

۷. هنر با محتوای دینی

این دیدگاه هنر اسلامی را هنری می‌داند که انتقال‌دهنده مضامین الهی و اسلامی است. لذا این هنر باید در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم قرار گیرد، تا بتوان آن را اسلامی نامید؛ به عبارت دیگر، هنر دینی چه از سبک تجرید و بیان رمز و تمثیل بهره‌مند باشد و چه رمز و نماد و تمثیل را از طریق اشکال و تصاویر فیگوراتیو (ساخت‌وار) به نمایش گذارد و چه از طریق بازنمود طبیعت و واقعیت محض، آن را بیان کند، در هر حال، تجربه زیباشناختی از امر قدسی است و این امر آن جوهر اصلی هرگونه تعریف هنر دینی است. (رهنورد، ۱۳۷۸: ۱۶) با چنین تعریفی، هنر اسلامی هنری است حاکی از تجلی عوالم برتر در ساخت‌های نفسانی و دینی. (نصر، ۱۳۷۵: ۳۸)

در این نگرش، هنر با تقدس خویش دنیای مادی را سرشار از پیام‌های ایزدی می‌نماید. (Eliade, 1987: 12) و بهترین راه برای تحقق چنین امری آن است که هنر در برگیرنده مضامین بلند قرآنی شود. از سوره الرحمن آیه ۴۱: «يُعَرَفُ الْمَجْرَمُونَ بِسِيمَاهُمْ»، چنین استنباط می‌کنند که شمایل‌نگاری مجاز است، به شرط آنکه در برگیرنده محتوای دینی متناسب با آن باشد. (رهنورد، ۱۳۷۸: ۷۸) بورکهارت می‌نویسد: «نهی تصاویر در اسلام به‌طور کامل و فقط مربوط به نگاشتن تصاویر الوهیت می‌شود ... نهی چهره پیامبران و رسل به سبب احترام و غیر قابل تقلید بودن ایشان است.» (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۴۰) این دیدگاه بر این اساس است که زمانی اثری هنر اسلامی تلقی می‌شود که بیان‌کننده مفاهیم

قرآنی و پیامبران باشد.

۸. هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه هنر اسلام را شامل تمامی این نظریه‌ها و یا گزیده‌ای از عناوین فوق می‌کند (ره‌نورد، ۱۳۷۸: ۶۱-۵۰) و گاهی با حرکتی محافظه‌کارانه‌تر، تمام این عناوین را در قالب بستاره‌های هنر اسلامی، بازتعریف می‌نماید. در طرف مقابل گروه دیگر وجود دارند که درصدد گردآوری اشتراکات گروه‌های پیش‌فرض و تعریف سامان‌های جدید برای هنر اسلامی‌اند. در این رویکرد یک اثر اسلامی، تعریف‌یافته از صفاتی متمایز و گوناگون، تحت عنوان ویژگی‌های هنر اسلامی معرفی می‌گردد. این گروه برای زیبایی‌شناسی هنر اسلامی ویژگی‌هایی از جمله شماری از دوگانگی‌ها، (از جمله معقول و احساساتی، نور و سایه، سادگی و پیچیدگی و...) ویژگی تفهیم عمیق نظم، رمزگرایی و نمادگرایی را برای آن بر می‌شمارد. (برند، ۱۳۸۳: ۲۲۶)

بررسی و تحلیل

۱. نقد نظریه‌های موجود

پس از توضیح و معرفی هشت دیدگاه، در این بخش، یک‌یک نظریه‌های مطرح شده، از نظر جامع بودن و مانع بودن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند:

۱-۱. دیدگاه هنر سرزمین‌های اسلامی

درست است که اکثر هنرهای اسلامی در سرزمین‌های اسلامی و سرزمین‌هایی که حاکمان آن‌ها افرادی مسلمان بوده‌اند و یا مسلمانان در آن سرزمین‌ها زندگی می‌کرده‌اند به وجود آمده است، اما تمامی آثار هنری که در این سرزمین‌ها به وجود آمده، جزو آثار هنر اسلامی نیستند، برای اثبات اینکه هر ساخته هنری در سرزمین‌های اسلامی جزو هنرهای اسلامی نیست، کافی است مکتوبات طرفداران این نظریه مورد بررسی قرار

گیرد. در اغلب این تألیفات، شمار خاصی از آثار برگزیده شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه همگی آنان به مساجد اسلامی اشاره کرده‌اند. این نکته گواه بر این است که تنها برخی از آثار دوره‌ی اسلامی را می‌توان جزو هنر اسلامی دسته‌بندی ساخت. حذف پیوستار، معنایی-زمانی و تقلیل آن به دوره‌های تاریخی، مسئله دیگری است که در این روش، بدون پاسخ مانده است. به‌عبارت‌دیگر، هنرهای متأثر از اسلام را می‌توان در سرزمین‌های غیراسلامی مشاهده کرد و همچنین هنرهای غیر اسلامی را می‌توان در سرزمین‌های اسلامی نظاره‌گر بود. بنابراین، این دیدگاه نه جامع و نه مانع است.

۲-۱. دیدگاه هنر مسلمانان

نظریه اینکه هنر اسلامی هنر هنرمندان مسلمان است، تاکنون به‌وسیله عده زیادی از پژوهشگران اسلامی به شیوه‌های متفاوتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این تعریف از هنر اسلامی نه جامع است و نه مانع. به‌عبارت‌دیگر، بسیاری از فعالیت‌های هنری مسلمانان را نمی‌توان جزو هنر اسلامی طبقه‌بندی کرد. همان‌گونه که ممکن است اثری هنری اما غیر اسلامی از مسلمانان دیده شود، همچنین آثاری وجود دارد که به‌وسیله غیر مسلمانان به‌وجود آمده است؛ از این رو بازشناسی هنر اسلامی به‌عنوان هنر هنرمندان مسلمان کلی‌نگر و غیر دقیق است. بنابراین، این دیدگاه با وجود اینکه تعریفی جامع ارائه می‌دهد، اما مانع نیست.

۳-۱. دیدگاه هنر برگرفته از نصوص دینی

عده‌ای در این زمینه به تندروی‌هایی نیز دچار شده‌اند، تا آنجا که خود مجبور شده‌اند این نگرش افراطی را نامناسب معرفی نمایند. این نگرش در سه مرحله با مشکل روبه‌رو می‌شود:

۱. نخست آنکه در بسیاری از موارد، دستورات در قرآن مجید ثبت نشده است. به‌عنوان نمونه در تورات دستور ساخت کشتی^(۴)، نحوه کف‌سازی هیکل و غیره آمده است؛ ولی

در قرآن دستورات مشابهی از آن دیده نمی‌شود. در این حالت لازم می‌آید تورات کامل‌تر از قرآن تلقی گردد، در صورتی که قرآن جامع‌تر از تورات است و پرداختن به جزئیات نشانه جامعیت نیست. به همین دلیل انتظار نمی‌رود هر آنچه از هنر اسلامی انتظار داریم، در متن قرآن به صراحت تصریح شده باشد.

۲. وقوع دگرگونی‌های تکنولوژیک امکان اجرای دستوری ثابت در طول زمان را منتفی می‌سازد، در حالی که اسلام دینی است برای تمامی دوران و لازم است دستورات آن در همه زمان‌ها ارزشمند باقی بماند.

۳. تنوع نژادی، اقلیمی و منطقه‌ای مسلمانان، پرسش بی‌پاسخ دیگری در این زمینه است. اگر قرار باشد قرآن دستورات ثابتی بدهد، دیگر در همه جا قابل اجرا نبوده و جهان‌شمول بودن تعالیم الهی اسلام، زیر سؤال خواهد رفت. (مه‌دوی نژاد، ۱۳۸۱: ۲۵) بنابراین، این دیدگاه درست است و مانع است، اما جامع نیست.

۴-۱. دیدگاه هنر عربی

همان‌طور که گفته شد، پژوهشگران این گروه برای هنر اسلامی پشتوانه‌ای عربی معرفی می‌کنند. وضعیت هنری شبه‌جزیره عربستان پیش از اسلام کاملاً مشخص است و تصور اینکه آداب و سنن آن مایه شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شود، به کلی مردود است. دستور عادت ضد شمایل‌نگاری و پیکره‌سازی در عرب دوره جاهلی نیز براساس شواهد موجود غیر ممکن می‌نماید (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۹) و آنچه در سراسر سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده است خود زبان عربی نیست، بلکه کلام وحی است و در بناهای اسلامی، منسوجات، سفال‌ها و نقشینه‌های چوبی، این کلام وحی است که خودنمایی می‌کند و نه زبان عربی، و اگر زبان عربی رونق یافته، به سبب جریان آن است. برای اثبات این سخن بعد از انتقال اسلام به هند توسط ایرانیان، آثار زیبایی به زبان فارسی در هند به وجود آمد، به طوری که نسخه‌های خطی فارسی هند بعد از ورود اسلام به آنجا بیش از تعداد نسخه‌های تدوین شده در ایران است. (آزاد بخت، ۱۳۸۷: ۷۹) همچنین در هند خط

نستعلیق، خط مقدسی است و گاهی برای کتابت قرآن و برخی کتیبه‌های سردر مساجد به کار می‌رود. بنابراین، این تعریف جامع و مانع نیست.

۱-۵. دیدگاه هنر هندسی و انتزاعی

در این دیدگاه هنر اسلامی بیانگر نظم بود که وحدت در کثرت را به وسیله نقوش هندسی و انتزاعی بیان می‌کرد. از نظر گاستون وایه، این نوع تزئین به وسیله اسلام ابداع نشد، بلکه مسلمانان آن را با نتایجی غیر منتظره اجرا کردند. (وایه، ۱۳۶۳: ۶۳) نقش مایه اسلیمی و نگاره‌های هنری همزاد اسلام نیست، پس نسبت دادن یک فرم به هنر اسلامی، امری غیر قابل قبول است. نقش اسلیمی دیرینه‌ای طولانی دارد. این نقش که برگرفته از تاک است، در آثار سکایی به شکل هنر جانورنگاری دیده شده است. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۶۸) و اسلام از هنر رایج در جامعه بهره گرفته و آن طرح را پرداخته و به شکل اسلیمی‌هایی که امروزه می‌شناسیم، درآورده است. این تصاویر انتزاعی و طرح‌مایه‌های هندسی از خود اصالتی نداشته، به استعارات و پیام‌های الهی باز می‌گردند. (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳) هنر اسلامی هنر توحید است و با هنر تجرید متفاوت است. (الصایغ، ۱۹۸۸: ۱۲۶) این نظریه نه از جامعیت برخوردار است و نه از مانعیت؛ یعنی هنر اسلامی، نقشینه اسلیمی انتزاعی نیست و تمام نقش‌مایه‌های انتزاعی، اسلامی نیستند.

۱-۶. دیدگاه هنر مقدس

در این دیدگاه که برگرفته از استعارات و نمادها می‌باشد، تناقضاتی وجود دارد: از یک سو عدم سازگاری عده‌ای از آثار با اعداد مقدس، اعتبار آن‌ها را زیر سؤال برده است، از سوی دیگر تلاقی استعارات و روایت‌خوانی نشانه‌گرا در آثار اسلامی آن‌ها را به آثار دیگر مکاتب، همانند ساخته است. چراغ محراب که نشانه‌ای از نور خداوند سبحان معرفی شده (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۵۴) بیانگر مقام حلول است نه تجلی و قرار نگرفتن آن در سردر مسجد زیر گنبدگاه، بر تناقض این اندیشه افزوده است. شباهت محراب با حفر

یهودی، (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۹۵) شباهت کعبه با تابوت عهد، و عدم هماهنگی چهارسویه کعبه با جهات جغرافیایی (همان: ۱۸) مشکلات ویژه‌ای را در این زمینه به وجود آورده؛ تا آنجا که عدم انسجام اعداد مقدس در مسجدالحرام در برخی گزارش‌ها، مایه ضعف اعتباری آن در برابر مسجدالاقصی تلقی گردیده است. بنابراین، مشاهده می‌شود که نه تنها این نظریه جامع و مانع نیست، حتی نمی‌تواند تناقض درونی خویش را برطرف سازد.

۷-۱. دیدگاه هنر با محتوای دینی

پذیرفتن هنر اسلامی به‌عنوان هنری با محتوای دینی، منجر به پذیرش تمام صور هنری به‌عنوان پیام‌رسانی و پذیرش شمایل‌نگاری در مساجد و ابنیه مذهبی می‌شود. به‌عبارتی دیگر، براساس این نگرش باید بتوانیم تصویر حضرت علی را در مسجد نصب کنیم. این در حالی است که طرفداران این روش به تناقض این نگاه با سیره پیامبر اکرم^(۵) اذعان دارند. تناقض دیگری که وجود دارد، این است که گاهی برخی از آثاری که در یک سبک گنجانده می‌شود، دارای موضوع‌های مذهبی هستند و برخی نه، همانند آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای^(۶) که شامل موضوع‌های ملی، حماسه‌ای و مذهبی می‌باشند، از دوره قاجار در ایران رواج یافته است. (پاکباز ۲، ۱۳۸۵: ۲۰۱) اینجا این سؤال به‌وجود می‌آید که آیا قسمتی از آن‌ها که موضوع مذهبی دارند، باید جزو آثار اسلامی و قسمتی که موضوع‌های حماسی دارند، هنری غیراسلامی و ملی تلقی کرد؟ هرچند آثار نامناسب چنین نگرشی به هنر اسلامی مبرهن است، لکن تلاش متفکران معتقد به این روش، فواید بی‌شماری را در جهت توسعه مبانی هنر اسلامی به همراه داشته است. این نگاه نیز درعین حال که جامع است، مانع نیست.

۸-۱. دیدگاه هنر اسلامی شامل همه موارد فوق

این دیدگاه به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. نگاه اجتماعی: نگاهی که هنر اسلام را شامل همه نظریه‌ها و یا تعدادی از عناوین

فوق می‌کند و این در حالی است که گونه‌گونی دستورات و برنامه‌های ارائه‌شده، علی‌رغم جامعیت از مانعیت برخوردار نیستند.

۲. نگاه اشتراکی: گروه دوم صفات و ویژگی‌های مشترکی برای آثار هنر اسلامی ارائه می‌دهند. البته بسیاری از گروه‌های فوق هیچ جنبه اشتراکی با یکدیگر ندارند، لذا این تعریف نیز علی‌رغم مانعیت از جامعیت برخوردار نیست. در هر صورت، تلاش این گروه از دانشوران حاصل حرکت نمودگرایانه، در بازتعریف هنر اسلامی است، با شرایطی که تمامی موارد را شامل گردد؛ که این تلاش به‌خودی‌خود به ابهام و واگرایی تعریف‌های هنر اسلامی دامن می‌زند.

ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع	ردیف	نظریه‌های ارائه شده در تعریف هنر اسلامی	جامع	مانع
۱	هنر سرزمین‌های اسلامی	نیست	نیست	۵	هنر هندسی و تجربی	نیست	نیست
۲	هنر مسلمانان	نیست	نیست	۶	هنر مقدس	نیست	نیست
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	نیست	است	۷	هنر با محتوای دینی	است	نیست
۴	هنر عربی	نیست	نیست	۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	است	نیست
		نیست	نیست		هنر اسلامی شامل همه موارد	نیست	است

جدول شماره ۱- تحلیل و طبقه‌بندی نظریه‌های توصیف‌کننده هنر اسلامی (نگارندگان)

۲. چیستی هنر اسلامی

در بررسی‌ها و مطالعات هنر اسلامی دیده می‌شود که علی‌رغم تفاوت در تعریف، مثال‌ها یکسان است. هر یک از متفکران در تعریف هنر اسلامی، نمونه‌های یکسانی را مورد استناد قرار داده‌اند، از جمله همگی به مساجد و تزیینات آن‌ها، کتیبه‌های حکاکی شده یا قرآن‌های دست‌نویس به‌جامانده و ... اشاره کرده‌اند؛ هرچند تعریف آن‌ها از هنر اسلامی یکسان نیست. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد تفاوت در تعریف‌ها مانع از آن نشده که نمونه‌های مشترکی از سوی نویسندگان مختلف به‌عنوان هنر دینی معرفی شوند. به نظر می‌رسد تفاوت در برداشت‌ها و یا تعریف‌های ارائه شده، تنها در حوزه نظر و تئوری باقی مانده است و در عرصه عمل، نوعی شباهت و پیوستگی در میان نمونه‌های انتخاب شده از سوی اندیشمندان مشاهده می‌شود. تمامی این موارد نشان‌دهنده آن است که درک هنرمندانی که در این زمینه کار کرده‌اند، یک درک منسجم است. درک ایشان از هنر اسلامی یک درک فطری است و این هنرمندان با تکیه بر فطرت خود در طول تاریخ معنای صحیح هنر اسلامی را فهمیده‌اند. شباهت در نمونه‌های موردی ذکر شده در کتاب‌های مختلف، تا آنجا پیش می‌رود که ممکن است در برخی از موارد ضرورت پرداختن به موضوع را مورد سؤال قرار دهد؛ گویی تمامی هنرمندان در ضمیر ناخودآگاه خود معنای صحیح هنر اسلامی را می‌دانسته‌اند و آن چیز که در مجامع علمی مورد اختلاف است و نظرات متعددی بر آن ارائه شده، در مجامع تخصصی و عملی هنرمندان موضوعی بدیهی تلقی می‌شود.

مطالعات صورت‌گرفته مبین آن است که هریک از تعریف‌ها تا اندازه‌ای توانسته‌اند نشان‌دهنده چیستی هنر اسلامی باشند، اما حقیقت امر آن است که هنر اسلامی کهن‌تر از تعریف‌هایی است که درباره آن ارائه شده است. به همین دلیل علی‌رغم تفاوت در تعریف، شباهت‌هایی را می‌توان در معرفی آثار برگزیده‌ی هنر اسلامی مشاهده نمود. بنابراین، محققان باید به هنگام ارائه تعریفی از هنر اسلامی، با دقت نظر کافی به بیان هنر اسلامی پردازند و تنها جنبه‌هایی از آن آثار را مورد بررسی قرار ندهند، بلکه به شکلی

همه‌جانبه تمامی زوایای این هنر توحیدی را مدنظر قرار دهند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های موجود در زمینه تعریف هنر اسلامی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این هنر، هنر سرزمین‌های اسلامی نیست، هر چند اغلب آثار هنری در دوران پایداری حاکمان مسلمان شکل گرفته است. هنر اسلامی، هنر مسلمانان نیست، زیرا ممکن است تمام کارهای یک فرد مسلمان، اسلامی نباشد. هنر برگرفته از نصوص دینی صرفاً هنر اسلامی نیست، این تئوری با وجود اینکه مانع است اما جامع نیست، زیرا لازم نیست تمامی مفاهیم در نصوص دینی جستجو شوند. این گرایش با محدود کردن دایره‌ی مفاهیم اسلامی، نوعی گرایش سلفی را موجب می‌شود. هنر، عربی نیست، چرا که این کلام وحی است که مقدس است نه خود زبان عربی. هنر، هندسی و تجریدی نیست، چرا که جایگاه مفهوم و محتوا را در هنر اسلامی کم‌رنگ می‌سازد. هنر با محتوای دینی نیست، چرا که لازم است یک محتوای دینی با فرم دینی همراه شود. این دیدگاه مانع نیست که در آن صورت جایز به کشیدن شمایل پیامبران و امامان در مساجد می‌شد. اگر هنر اسلامی را شامل تمامی تعریف‌های قبلی بدانیم، نوعی پاسخ مبهم ارائه کرده‌ایم که دیگر مانع نیست و براساس آن، هر هنری ممکن است اسلامی تلقی شود.

مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که هرچند هنر اسلامی را به‌طور دقیق نمی‌توان در قالب تعریف‌های فوق محدود کرد، هر یک از تعریف‌های فوق تا حد قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی را توضیح می‌دهند. تعریف‌ها جامع و مانع نیستند، اما در هر یک از آن‌ها تا حد قابل توجهی مفهوم هنر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. نکته قابل توجه آن است که برخلاف تنوع در تعریف‌های ارائه شده، نمونه‌های معرفی شده به‌عنوان هنر اسلامی از نوعی شباهت خانوادگی برخوردارند. شباهتی که ممکن است اعضای یک خانواده، در عین تنوع و گونه‌گونی داشته باشند. تمامی این موارد نشان‌دهنده‌ی آن است که تعریف هنر اسلامی یک تعریف شهودی است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت

هنر اسلامی، هنر توحید است؛ هنر هنرمندانی است که با تمام وجود خویش مفهوم هنر اسلامی را درک کرده‌اند و براساس آن، هر یک در شاخه‌ای که مهارت داشته‌اند، دست به هنرنمایی زده‌اند؛ تجلی مفهوم وحدت در کثرت، و آثاری که با عنایت به مفاهیمی واحد، جلوه‌های گونه‌گون و متنوعی از آثار هنری را خلق کرده‌اند و با هنر خود جامعه‌های اسلامی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

ردیف	تعریف هنر اسلامی	رویکرد تعریف	موضوع مورد بحث
۱	هنر سرزمین‌های اسلامی	مکان ساخت اثر	جغرافیا و زمینه ساخت
۲	هنر مسلمانان	طراح و سازنده اثر	نیت و اعتقادات سازنده
۳	هنر برگرفته از نصوص دینی	متون حدیثی و نص قرآن مجید	تفسیر آیات و روایات
۴	هنر عربی	مبدأ شکل‌گیری اثر هنری	رابطه اثر با شبه‌جزیره عربستان
۵	هنر هندسی و تجریدی	تکنیک و شیوه طراحی و ساخت اثر	ابزار و نحوه بیان اثر
۶	هنر مقدس	رمزگان و نمادهای فرمی و شکلی	شناسایی کاربرد تناسبات و اعداد مقدس
۷	هنر با محتوای دینی	عملکرد و تأثیرهای اثر هنری	حیطه تأثیرگذاری اثر بر مخاطب
۸	هنر اسلامی شامل همه موارد	با دو رویکرد اشتراکی و اجتماعی	شامل شدن تمامی موضوع‌ها و یا سهم اشتراکی میان آنها

جدول شماره ۲- جدول تحلیلی نظریه‌ها، و رویکردهای نظری و عملی در تعریف هنر اسلامی

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره انعام آیه ۵۹ می‌گوید: هیچ‌تر و خشکی نیست، جز آنکه در کتاب مبین (قرآن مجید) مسطور است: از این آیه چنین استنباط می‌شود که قرآن شامل تمامی نیازهای انسان و شامل بر قوانین و سنن حاکم بر جهان است.
۲. نام کعبه به معنی مکعب است. البته کعبه یک مکعب کامل نیست بلکه یک مکعب مستطیل است که درازای آن شانزده متر است. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۱۸) مکعب خالص‌ترین فرم جهانی است. مربع به‌عنوان پایدارترین کهن‌الگوی انسانی مبنای برپایی کعبه و شالوده ساختاری آن است. کعبه از شاهکارهای تناسب‌ادراکی در جهان معماری است، زیرا که علی‌رغم عدم تساوی طول، عرض و ارتفاع آن، تجسمی خالص و پایدار از یک مکعب را پدیدار می‌سازد. مکعب جلوه‌گاه ظهور خطوط موازی در بستری کالبدی و روحانی است. خطوط موازی یادآور حرکت مستقیم، بدون انحراف و پا برجا به سوی هدفی متعالی و فراتر از تصورات انسانی است.
۳. قبه‌الصخره در اورشلیم در میان سال‌های ۶۹ و ۷۲ ه. (۶۹۲-۶۸۸ م) ساخته شده است. دیواره استوانه‌ای تکیه‌گاه بر چهار جرز و دوازده ستون استوار است و دالان پیرامون گنبد بر هشت جرز و شانزده ستون که در جمع می‌شود، چهل ستون عنصر حمال (باربر). عدد چهل عدد بسیار مقدسی است، زیرا شمار پاکانی که به گفته پیامبر اکرم (ص) ستون‌های جهان در همه اعصار هستند، برابر چهل است.
۴. و خدا به نوح گفت انهدام تمامی بشر در حضورم آمد، زیرا که از ایشان زمین پر از ظلم شد، پس اینک من ایشان را با زمین نابود خواهم ساخت (۱۴) و به جهت خود کشتی از چوب گوfer بساز و در آن کشتی حجره‌ها ترتیب نما و آن را از اندرون و بیرون به زفت اندود کن (۱۵) و آن را به دین اسلوب بساز، طول آن کشتی سیصد ذراع و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاعش سی ذراع (۱۶) و به آن کشتی پنجره بساز و آن را از بالا به یک ذرع تمام کن و به جنب کشتی دری بگذار و طبقه تحتانی و دومین و سومین بساز (۱۷) و اینک من توفان را به زمین می‌آورم تا آنکه تمام بشر را که روح حیات در او است، از زمین و آسمان‌ها هلاک سازم و هرچه در زمین است، خواهد مرد (۱۸) (کتاب اول حضرت موسی معروف به سفر تکوین مخلوقات، فصل ششم آیات ۱۸-۱۴) (ترجمه: فاضل خان همدانی، ۱۳۸۰: ۱۱).
۵. در خبر است که پیامبر اکرم (ص) برای نماز به مکانی رفتند که پرده‌ای با نقش جانداران در آن آویخته شده بود. پیامبر فرمودند آن پرده را بر دارند. البته کاملاً مشخص است که ایشان، فاقد نیروی تمرکز نبودند و این مهم را به‌عنوان یک اصل اسلامی ابراز داشته‌اند. بورکهارت در ذیل این روایت در یک عقب‌نشینی آشکار از مواضع قبلی خود می‌گوید: معلوم می‌شود که بعضی از انواع هنر، با نیایش اسلامی سازگار نیست. (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۹۵)
۶. این‌گونه نقاشی که آمال و علایق ملی، اعتقادات مذهبی، روح و فرهنگ خاص لایه‌های میانی جامعه

شهری را باز می‌تابد، پدیده‌ای جدیدتر از سایر قالب‌های نقاشی عامیانه بود. داستان‌های شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی، وقایع کربلا، قصه‌های قرآن و حکایت‌های عامیانه، موضوع‌های اصلی این نقاشی‌ها را تشکیل می‌دهند. (پاکباز، ۱۳۸۵: ۲۰۱)

کتابنامه

الف) کتاب‌ها

• قرآن مجید

۱. کتاب مقدس: ۱۳۸۰، عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرین، انتشارات اساطیر.
۲. آزاد بخت، مجید، ۱۳۸۷، درک عمومی هنر ۲، انتشارات کانون فرهنگی آموزش، تهران.
۳. اتینگهاوزن، ریچارد والگ گرابر، ۱۳۷۸، هنر و معماری اسلامی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت. (در متن به این شکل آدرس داده شده است (آژند، ۱۳۷۸: ۱۰) مطالب یاد شده در متن از یعقوب آژند در مقدمه کتاب نقل شده است.)
۴. الصایغ، سمیر، ۱۹۸۸، الفن الاسلامی، بیروت، دارالمفرقه. (به نقل از دکتر زهره کاظمی (زهره رهنورد)
۵. برند، باربارا، ۱۳۸۳، هنر اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
۶. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۶۵، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سروش.
۷. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۶، هنر مقدس، ترجمه: جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.
۸. بورکهارت، تیتوس، ۱۳۷۶، ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی، ترجمه: حسین نصر، مجموعه مقالات هنر معنوی، تدوین علی تاج‌دینی، تهران، نشر مطالعات دینی هنر.
۹. پاکباز، رویین (۱)، ۱۳۸۵، دایرة المعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
۱۰. پاکباز، رویین (۲)، ۱۳۸۵، نقاشی ایران: از دیروز تا امروز، تهران، انتشارات زرین و سیمین.
۱۱. پرایس، کریستین، ۱۳۶۴، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۲. پینگ، لیوجی، ۱۳۷۳، معماری اسلامی در چین، ترجمه: مریم خرم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. دوری، کارل، جی، ۱۳۶۸، هنر اسلامی، ترجمه: رضا بصیری، تهران، انتشارات یساولی - فرهنگسرا.
۱۴. رهنورد، زهرا، ۱۳۷۴، حکمت هنر اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. سوسور، فردینالدو، ۱۳۷۸، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه: کورش صفوی، تهران، انتشارات هرمس.

۱۶. کونل، ارنست، ۱۳۵۵، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس.
۱۷. کیانی، محمد یوسف، ۱۳۷۴، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. گیدیون، زیگفرید، ۱۳۸۳، فضا، زمان، معماری، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. نصر، حسین، ۱۳۷۵، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران، نشر دفتر مطالعات دینی هنر.
۲۰. نقی زاده، محمد، ۱۳۸۲، ویژگی‌ها و مبانی زیبایی شناسی در هنر اسلامی، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲.
۲۱. وایه، گاستون، ۱۳۶۳، هنر اسلامی در سده‌های نخستین، ترجمه: رحمان ساوجی، چاپ اول، چاپ مسطح چاپخانه گیلان
۲۲. هسپرز، جان، اسکرانتن، راجر، ۱۳۷۹، فلسفه هنر و زیبایی شناسی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه.
۲۳. هیلمن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

ب) مقاله‌ها

۱. مجله مهدوی نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۱، هنر اسلامی در چالش مفاهیم معاصر و افق‌های جدید، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲.

ج) منابع لاتین

1. Arnold Sir Thomas (walker), *Painting in Islam*, Oxford University Press, oxford, 1928/R.1965.
2. Atasoy, Nurban, And Afif Babnassi Michel Rogers, *The Art of Islam*, nesco(text)-Flammarion (publications), 1990.
3. Aston, Elaine, and George Savora, *Theatre as Sign-System: A Semiotics of Text and Performance*, Routledge Press London, 1991.
4. *Dictionnaire Encyclopediqe QUILLET*, Raoun Mortier Libraire Aristide Quillet, Paris, 1965.
5. Eliad, Mircea; *Encyclopedia of Religion*; V.6, New York, MacMillan Publishing, 1987.
6. *Encoclopedia of World Art*, Vol.VII, McGraw-Hill Book Company, England, London, New York, Toronto, 1963.

7. Graber, Oleg, The Fromation of Islam Art, Yale University, Press, New Haven and London, Paris, 1973.
8. Grand Larousse Encyclopedique, Vol.6, Auge Gillon, Endix Vilumes, Librairie Larousse, Paris, 1962.
9. Hoag, JohnD, Islamic Architecture, by Academy Editions, Faber and Faber/ Elacta Publishers, London, 1979.
10. Kosh, Ebba, Mujhal Architecture, outline of its History and Development 1526-1858, Prestel publication, 1991.
11. Pinder, Ralph, Wilson, Studies in The Islamic Art, The Pinder press, London, 1985.
12. Talbot rice, David, Islam Art, Thomes and Hudson Press (H&D), London, 1986.
13. Vernoit, Stephen, Discovering Islamic Art, Scholars, Collectors and Collectors, 1850- 1950.